

افزایش جمعیت باید هدفمند و ساختاری باشد

افزایش جمعیت ایران و لزوم در پیش گرفتن سیاست‌های افزایش باروری، چند ماهی است که از طرف مسئولان مطرح می‌شود.



سلامت نیوز: افزایش جمعیت ایران و لزوم در پیش گرفتن سیاست‌های افزایش باروری، چند ماهی است که از طرف مسئولان مطرح می‌شود. در میان صحبت‌هایی که در این رابطه می‌شود آمار و ارقام مختلفی هم ارائه می‌شود. در میان آمار و ارقام چندان واضح نیست که در مورد جمعیت ایران کدام ارقام صحیح و کدام ناصحیح است. به همین دلیل با دکتر شهلا کاظمی‌پور استاد جمعیت‌شناسی و معاون پژوهشی مرکز مطالعات جمعیتی آسیا و اقیانوسیه به گفت‌وگو نشستیم تا ارقام درست در مورد جمعیت ایران را و این‌که در چند دهه آینده چه اتفاقی برای جامعه ایران خواهد افتاد، بررسی کنیم.

به گزارش سلامت نیوز به نقل از بهار؛ چند وقتی است که می‌دانید بحث افزایش باروری مطرح شده و این‌که ایران طی چند دهه بعد با پدیده پیری جمعیت روبه‌رو خواهد شد و به همین دلیل میزان مولید باید افزایش پیدا کند. فکر می‌کنم در ابتدای مصاحبه شاید بهتر باشد، نگاهی به تاریخچه بحث جمعیت در ایران داشته باشیم و اول این موضوع را بررسی کنیم که به خاطر چه عواملی بحث کنترل جمعیت در ایران مطرح شد. یعنی آماری از این موضوع داشته باشیم که زمان مطرح شدن بحث کنترل جمعیت، جمعیت ایران و نرخ رشد جمعیت چقدر بود و چرا ما باید جمعیت را کنترل می‌کردیم؟

معمولا در گذشته در بیشتر کشورها مولید بالا و مرگ و میر هم بالا بود به همین دلیل کشورها به آن صورت پدیده رشد جمعیت نداشتند. حتی در کشور ما حدود صدسال پیش با رشد نیم‌درصدی جمعیت روبه‌رو بودیم. بعد از انقلاب پزشکی و انقلاب صنعتی که مرگ و میر پایین آمد میزان رشد جمعیت در کشورهای مختلف بالا رفت و امکانات بهداشتی جدید وارد ایران هم شد. ما از سال 1300 به بعد دچار یک تحول عظیم جمعیتی بودیم. چون میزان مرگ و میر روزبه‌روز کمتر شد اما میزان مولید به اندازه سابق ماند. یعنی نرخ رشد جمعیت که نیم‌درصد بود به یک‌درصد رسید بعد 1/5 درصد و در اوایل انقلاب اسلامی ما با نرخ رشد جمعیت 3 درصد روبه‌رو بودیم. طی سال‌های قبل از 1300 (ه. ش) جمعیت ایران که نرخ رشد ثابتی داشت و در عرض چند سال از شش میلیون نفر به 10 میلیون نفر رسید، بعد از آن در فاصله کوتاهی در سال 1335 به 20 میلیون و بعد هم در سال 1355 به 30 میلیون نفر رسید.

اوایل انقلاب ما جمعیت 36 میلیون نفری داشتیم. در همین فاصله سازمان‌های بین‌المللی با کشورهایی که مولید بالا داشتند وارد مذاکره شدند و اعلام کردند که مرگ و میر پایین آمده و میزان مولید اگر همین‌طور ثابت بماند همه زیرساخت‌های اساسی کشور از بین خواهد رفت. مسئولان سازمان‌های بین‌المللی به کشورهایی مثل ایران، پاکستان یا هند سیاست‌های کنترل جمعیت را پیشنهاد دادند. سال 1346 تصویب شد که در ایران این سیاست‌ها اجرا شود. تا زمان انقلاب اسلامی سیاست‌های کنترل جمعیت موفق بود و روند رشد جمعیت تا حدی کنترل شد. چون میزان مولید پایین آمد. البته در این موضوع تنها سیاست‌های کنترل جمعیتی عامل اصلی نبود. یک‌سری عوامل دیگر هم هستند که بر کنترل جمعیت تاثیر دارند. مسائلی مثل میزان شهرنشینی یا سواد و تحصیلات جمعیت یک جامعه نیز بر میزان مولید تاثیر دارند. هرچقدر که میزان تحصیلات افراد جامعه بالاتر برود خود به خود میزان زاد و ولد نیز در جامعه کمتر می‌شود. مجموع این عوامل دلیلی شد تا از سال 1350 به بعد ما شاهد کم شدن زاد و ولد در جامعه ایران باشیم. اما بعد از انقلاب اسلامی مسائلی پیش آمد که ما دوباره با افزایش جمعیت روبه‌رو باشیم.

یکی از مهم‌ترین دلایل این بود که همه سیاست‌هایی که در رژیم گذشته پیش گرفته شده بود متوقف شد و از آن‌جا که سیاست‌های کنترل جمعیت نیز توسط وزارت بهداشت دولت گذشته اعمال می‌شد، این سیاست هم متوقف شد. از طرف دیگر ما مسئله جنگ و شهادت جوانان را داشتیم و تمام این عوامل باعث شد که میزان باروری در جامعه ایران دوباره بالا برود و در دهه 60 ما میزان زاد و ولد را در ایران داشتیم که در تمام دنیا، این عدد در صدر قرار داشت. یعنی رشد جمعیت ما به خاطر بالا رفتن زاد و ولد و ورود مهاجران افغانی و عراقی به ایران به عدد 3/9 درصد رسید. در همان مقطع جمعیت‌شناسان ایرانی به مسئولان گفتند که اگر همین روند ادامه پیدا کند سالی دومیلیون کودک در ایران به دنیا خواهد آمد.

همان زمان دولت بزرگ‌ترین واردکننده شیر خشک بود. مشکل آموزش کودکان بود. مدرسه‌ها حتی در تهران سه‌شیفته شدند. میانگین کل فرزندان که برای هر خانواده 6/7 فرزند بود به هفت فرزند رسیده بود. مجدداً دولت در سال 1368 سیاست‌های تنظیم خانواده را پذیرفت. به مرور، میزان زاد و ولد پایین آمد. البته عوامل دیگر هم بود. اوایل انقلاب ما 42 درصد جمعیت شهرنشین داشتیم و حالا 72 درصد جمعیت ما شهرنشین هستند. آن زمان 60 درصد جمعیت ایران باسواد بودند و حالا نزدیک به 90 درصد جمعیت ایران باسواد هستند. تحصیلات عالیه و اشتغال زنان هم بر پایین آمدن میزان باروری تاثیر گذاشت. در حال حاضر میزان باروری ما حدود 1/7 فرزند است.

یعنی ما در حال حاضر میزان مولودیه داریم که در کشورهای مختلف دنیا پذیرفته شده است یا کمتر از استانداردهای جهانی است؟ میزان مولودیه در کشورهایی مثل سوئد یا آلمان که با پدیده پیری جمعیت روبه‌رو شدند چقدر است؟

کشورهایی که پدیده پیری جمعیت دارند میزان باروری آن‌ها بین 1/2 تا 1/8 فرزند به ازای هر مادر است.

پس این پیش‌بینی درست است که طی چند دهه آینده ما با پدیده پیری جمعیت روبه‌رو خواهیم شد؟

سالخوردگی جمعیت دارای سه مرحله است: مرحله اول زمانی است که بین هفت تا 14 درصد از جمعیت یک کشور بالای 65 سال باشند، مرحله دوم درصد سالمندان بین 14 تا 21 درصد است و مرحله سوم بالای 21 درصد از جمعیت کشور سالمند (فوق سالمندی) خواهند بود. آنچه که مسلم است، جمعیت به سرعت پیر نمی‌شود. با این روند کاهش باروری حدود سه یا چهار دهه طول می‌کشد تا جمعیت پیر شود. در حال حاضر 5/7 درصد از جمعیت ایران سالخورده‌اند یا به عبارتی بالای 65 سال دارند. ما اگر همین روند کاهشی در باروری را داشته باشیم در سال 1400 وارد مرحله اول، (در صورتی که طبق تعریف سازمان ملل ملاک ما برای سالمندی، جمعیت افراد بالای 60 سال باشد، در حال حاضر حدود هفت درصد از جمعیت ما بالای 60 سال سن دارند. براین اساس تاکنون ما وارد مرحله اول سالمندی شده‌ایم) در سال 1415 وارد مرحله دوم سالخوردگی جمعیت و در سال 1425 وارد مرحله سوم سالخوردگی جمعیت (فوق سالمندی) خواهیم شد. بسیاری این تصور را دارند که در حال حاضر 70 درصد جمعیت ما در سن فعالیت هستند و تا سال 1430، 70 درصد جمعیت ایران سالخورده خواهند بود. در حالی که این تصور درست نیست. بیشترین درصد سالخوردگی که در حال حاضر در دنیا وجود دارد، مربوط به ژاپن است که 24 درصد جمعیت آن سالخورده هستند. در این کشور نیز هنوز 65 درصد جمعیت در سن فعالیت هستند.

یعنی در حال حاضر ما نیازی به اعمال سیاست‌های افزایش جمعیت نداریم و سیاست‌های افزایش جمعیت تنها می‌توانند دوباره برای ما مشکل درست کنند؟

ما به هیچ‌وجه بحث سیاست‌های افزایش جمعیت نداریم بلکه بحث ما این است که نگذاریم میزان باروری از حالا کمتر شود. پیشنهاد ما این است که اگر می‌خواهیم جمعیت متناسبی داشته باشیم باید میزان باروری کل را تا سال 1404 به حدود 2/1 فرزند به ازای هر مادر برسانیم و بعد از آن این میزان مولودیه را به 2/5 برسانیم و این رقم را هم ثابت نگه داریم. در این صورت ما از کاهش باروری جلوگیری می‌کنیم در نتیجه سیر کاهنده رشد جمعیت نیز مهار می‌شود و حتی اگر میزان باروری را به همین صورت که گفتم بالا ببریم افزایش جمعیت نخواهیم داشت و با یک جمعیت متناسب روبه‌رو خواهیم بود. چون وقتی به سمت سالخوردگی برویم مرگ و میر هم بیشتر خواهد شد. در حال حاضر ما سالی یک میلیون و 380 هزار تولد داریم و 420 هزار فوت. اما به سمت سالخوردگی که برویم باروری در همین حد باقی می‌ماند و فوت به 600 هزار هم خواهد رسید. یعنی ما باید افزایش باروری داشته باشیم نه افزایش جمعیت.

شما یک‌سری عوامل را در ابتدای بحث مطرح کردید که دلیل کاهش جمعیت شد. در ادامه بحث هم به این موضوع اشاره کردید که میزان باروری باید به مرور زمان بیشتر شود، اما سطح سواد و تحصیلات که نسبت به قبل بیشتر شده، رقم بالای شهرنشینی داریم و از طرف دیگر می‌دانیم که میزان ازدواج پایین آمده و مرتب هم در حال کمتر شدن است. یعنی افراد به سختی ازدواج می‌کنند. البته و در هر حال عده‌ای ازدواج می‌کنند. شما فکر می‌کنید با توجه به شرایطی که زوج‌ها با آن روبه‌رو هستند، مسائلی مثل گرانی مسکن و... می‌توان زوج‌ها را راضی کرد که حتی یک فرزند داشته باشند و میزان باروری کاهش پیدا نکند؟ می‌توانیم زوج‌ها را راضی کنیم که دو فرزند یا بیشتر داشته باشند که جمعیت سالخورده نشود؟ همان‌طور که خود شما بهتر می‌دانید واقعیت این است که وضعیت اقتصادی مانع از بالا رفتن میزان باروری شده و خواهد شد. به نظر شما چطور می‌توان با در نظر گرفتن این مسائل، میزان باروری را بالا برد؟

هدف ما تعدیل ساختاری جمعیت است. اگر ما همین رقم 1/7 درصد میزان باروری را که حالا داریم همچنان داشته باشیم چون مرگ و میر به مرور زمان افزایش پیدا می‌کند سال 1420 رشد جمعیت ما به صفر می‌رسد. در نتیجه پیشنهاد ما این است که تا نیم‌واحد میزان باروری را بالا ببریم. چون کاهش میزان مرگ و میر خیلی سخت‌تر است. ممکن است بتوانیم بعضی بیماری‌های صعب‌العلاج را درمان یا میزان تصادفات را کم کنیم اما این موضوع‌ها تاثیر چندانی بر پایین آمدن میزان مرگ و میر نخواهد داشت. پس ما همه

این عوامل را در نظر گرفتیم و به این نتیجه رسیدیم که باید میزان باروری را نیم‌واحد به مرور زمان بیشتر کنیم. در این مورد هم موضوعی که باید به صورت جدی در نظر گرفت سن ازدواج است. اساساً هرچه سن ازدواج بالاتر برود، میزان باروری پایین می‌آید چون ما برای به دست آوردن میزان باروری در مخرج کسر، جمعیت زنان 15 تا 49 ساله را قرار می‌دهیم. مشکلی که ما داریم این است که درصد زنان مجرد ما در سنین بالا، زیاد است. ما باید بتوانیم سن ازدواج را پایین بیاوریم تا میزان باروری به صورت درست و منطقی افزایش پیدا کند.

میانگین سن ازدواج، در حال حاضر چه سنی است؟

میانگین سن ازدواج برای خانم‌ها 23/5 و برای آقایان 27 سال است. در وهله اول ما باید بتوانیم سن ازدواج را در همین حد نگه داریم. در وهله دوم باید به این موضوع فکر کنیم که بالا رفتن سن ازدواج دلیلی می‌شود تا افراد بیشتر از یک بچه نداشته باشند. از طرف دیگر باید این آموزش را هم به افراد بدهیم که فاصله مناسب بین فرزند اول و دوم را رعایت کنند. اگر ما بتوانیم سن ازدواج را تا حدی کاهش دهیم و به خانواده‌ها این کمک را بکنیم که دو فرزند یا بیشتر داشته باشند به خودی خود، جمعیت متناسب خواهیم داشت.

شما می‌فرمایید باید سن ازدواج را پایین بیاوریم. این موضوع راهکاری نیز دارد؟

من اول مسئله را مطرح کردم و حالا می‌خواهم بحث راهکارها را مطرح کنم. اول این‌که ما باید کل ساختار جمعیت را در نظر بگیریم. اگر تنها بگوییم می‌خواهیم جمعیت متناسب داشته باشیم و برایمان فرقی نکند که بچه‌دار شدن در چه قشر و گروهی اتفاق می‌افتد، به طور قطع سیاست درستی نداریم. همچنان یک عده زیادی ازدواج نمی‌کنند. یک عده در سن بالا ازدواج می‌کنند و یک عده هم شش فرزند خواهند داشت. این طوری جمعیت به صورت غیرهدفمند افزایش پیدا می‌کند. اما جمعیت باید هدفمند و متناسب شود. ما بیشتر با یک مسئله اجتماعی روبه‌رو هستیم. زمانی که سن ازدواج بالا می‌رود یا فاصله بین ازدواج و بچه‌دار شدن طولانی می‌شود، این موضوع‌ها عواقب بسیاری دارد. یکی از آن‌ها طلاق است. ما باید بررسی کنیم که چرا فاصله بین ازدواج و بچه‌دار شدن زیاد است؟ آیا این موضوع آگاهانه است، از بینشی خاص ناشی می‌شود، از افزایش توانمندی فرد است یا به دلیل یک سری مشکلات و نگرانی‌ها است؟ این موضوع‌ها قابل مطالعه است. بحث از این جا به بعد جامعه‌شناختی می‌شود.

حالا که بحث به این جا رسید پس می‌توانیم عوامل جامعه‌شناختی این موضوع را هم موشکافی کنیم. به لحاظ جامعه‌شناسی اول باید بررسی کنیم که وقتی سن ازدواج به تاخیر می‌افتد به نفع فرد و جامعه است یا به ضرر خود فرد و جامعه. اگر بالا رفتن سن ازدواج همراه با بالا رفتن توانمندی‌های فرد و خودشکوفایی او است، طوری که فرد می‌تواند ازدواج موفق‌تری داشته باشد، موضوع بسیار قابل ستایشی است. چون در این صورت اگر هم فرد در سن بالا ازدواج بکند یک یا دو فرزند خواهد داشت و مشکلی در هرم جمعیت به وجود نمی‌آید. اما تاخیر در تمام ازدواج‌های جامعه ما که به این دلیل نیست.

بسیاری از ازدواج‌های دختران که به تاخیر می‌افتد به خاطر مشکلات ساختاری است. بسیاری از دختران ما می‌خواهند ازدواج کنند اما همسر مناسب خودشان را پیدا نمی‌کنند. جدا از این افراد، دخترانی هم که ازدواج می‌کنند حتی در سنین بالا تنها یک فرزند می‌آورند چون نگرانی‌های مختلفی دارند؛ نگرانی از این‌که هنوز همسرشان را درست نمی‌شناسند و ممکن است در آینده به مشکل برخوردند. یا مشکلات مالی دارند و نمی‌توانند از عهده مخارج دو فرزند بر بیایند. عده‌ای هم که اصلاً توافق می‌کنند بچه‌دار نشوند. ما باید اصل برنامه‌ریزی‌ای که می‌کنیم در مورد این دسته از افراد باشد. چون این افراد معمولاً گروه‌های فرهیخته جامعه نیز هستند و می‌توانند فرزندشان را درست و به خوبی تربیت کنند. باید مشکلات این دسته افراد را حل کنیم. نه این‌که به صورت کلی بگوییم افراد اگر ازدواج کنند به آن‌ها بسته‌های تشویقی می‌دهیم تا جمعیت سالخورده نشود، در این صورت کاری غیرهدفمند انجام داده‌ایم. در آن صورت بسیاری که توانایی نگهداری فرزند را ندارند و نمی‌توانند فرزندشان را به درستی تربیت کنند، تشویق می‌شوند که بچه‌دار شوند. این فرزندآوری نتیجه‌ای ندارد. تنها سرباری برای دولت درست می‌شود.

سیاست بسته‌های تشویقی که شما مطرح می‌کنید، تا چه حد سیاست درستی است؟ چقدر می‌تواند مشکلات یک خانواده را حل کند؟

سیاست بسته‌های تشویقی در کشورهای پیشرفته دنیا مثل سوئد اجرایی شده و سیاست مناسبی بوده است. یک قسمت از سیاست‌های بسته‌های تشویقی دادن سبد تغذیه به مادر است. اگر مادر تغذیه مناسب داشته باشد هم خودش سالم می‌ماند و می‌تواند بارداری بعدی بهتری داشته باشد و هم کودک سالم‌تر رشد می‌کند.

این سیاست در کشورهای پیشرفته مثل سوئد می‌تواند جوابگو و مفید باشد اما در ایران که زوجین هر دو کار می‌کنند تا بتوانند زندگی دوفره را بگردانند سیاست بسته تشویقی تا چه حد می‌تواند پاسخگوی مشکلات آن‌ها باشد؟

این موضوع نسبی است. برای بعضی از خانواده‌ها می‌تواند مفید باشد. در هر حال این سیاست باید چند سال اجرایی شود تا نتایج آن معلوم شود. ما این جا با یک مشکل دیگر هم روبه‌رو هستیم. برنامه‌های بسیاری است که از طرف دولت مطرح یا نیمه‌کاره رها شده یا اصلاً به مرحله اجرایی شدن نرسیده. اگر این سیاست بسته‌های تشویقی هم نیمه‌کاره رها شود، می‌تواند ضربه بزرگی به خانواده‌ای بزند که فرزندی را به واسطه این سیاست به دنیا آورده‌اند.

معمولاً دولت‌ها سیاستی را تعریف و هدفی را با این سیاست دنبال می‌کنند. اگر هدف از اجرای سیاست بسته‌های تشویقی هم این باشد که خانواده‌ها یک یا دو فرزند بیاورند باید حداقل چند سال اجرایی شود تا نتایج آن معلوم شود. ممکن است حتی بسته‌های تشویقی هم میزان باروری را بالا نبرد. زمانی که یک برنامه اجرایی می‌شود باید به صورت مرتب جمعیت و میزان باروری را همراه با اجرای آن بررسی کرد و اگر مشخص شد این بسته کارساز نیست، سیاست‌های دیگری هم در پیش گرفت. باید به این موضوع توجه کرد که یکی از مهم‌ترین عوامل پایین آمدن میزان باروری، بالا رفتن میزان تحصیلات زن و مرد و بالا رفتن شاخص‌های توسعه است. شاخص‌های توسعه را نباید کم کنیم. این موضوع منطقی نیست که ما دانشگاه‌ها را تعطیل کنیم تا افراد تحصیلات کافی نداشته باشند و کورکورانه بچه‌دار شوند بلکه باید سیاست‌هایی مثل بسته‌های تشویقی در نظر بگیریم تا رضایت قشر فرهیخته برای بچه‌دار شدن جلب شود.

در باره با بحث تحصیلات زنان، بحثی در مجلس مطرح شد مبنی بر این‌که کار زنان پاره‌وقت شود تا ضمن فرزندآوری آنان را خوب تربیت کنند. به نظر شما این سیاست درستی است؟ چون در هر حال زنان هم تحصیل و هم توانایی کسب می‌کنند تا بتوانند از توانایی‌هایشان استفاده کنند. این موضوع به معنی محدود کردن زنان نیست؟ این سیاست به نظر شما می‌تواند به فرزندآوری بیشتر کمک کند؟

من با هر سیاستی که به محدود شدن زن‌ها منجر شود مخالفم. هدف از تحصیل اشتغال است. زنان تحصیل می‌کنند تا به خودشکوفایی برسند. عوامل بازدارنده در مورد زنان جوابگو نخواهد بود. زنی را نمی‌توان مجبور کرد که از توانایی‌هایش چشم‌پوشد تا فرزندآوری کند. اگر زنی بچه‌دار شود و خودش بخواهد کاری نیمه‌وقت داشته باشد تا زمان بیشتری برای فرزندش بگذارد، این موضوع منطقی است اما این سیاست‌ها نباید اجباری باشد. انسان‌ها براساس برنامه‌ریزی‌های شخصی و توانایی‌هایشان، خودشان باید انتخاب کنند که چطور کار کنند.